

## هشت مارس روز جهانی زن گرامی باد

هسته اقلیت

هجدهم اسفند ماه هشتاد و شش

هشت مارس یکبار دیگر زیر سلطه سرمایه و بیداد نئولیبرالیسم فرا رسیده است. زنان در سراسر جهان به اشکال مختلف در چنگ ساختارهای پدر - مردسالار اسیرند. نابرابری اجتماعی و حقوقی و جنسی کماکان از آنها قربانی می‌گیرد. هجوم نئولیبرالیسم به دستاورد های مردم در کل جامعه بشری بی وقفه ادامه دارد و زنان بیشترین آسیب را از این هجوم دیده اند. زنان مهاجر کماکان تحت فشارند تا عقب ماندگی های «خانه پدری» را به جرم تولد در کشوری تحت سلطه عقب ماندگی بپذیرند. زیرا «فرهنگشان است یا دینشان است» که باید محترم داشته شود، نه خودشان. تعالیم پست مدرن به این اوضاع خدمت می‌کند.

در ایران اما یکبار دیگر هشت مارس زیر سلطه سرمایه - مذهب فرا میرسد. زنان کماکان جنس دوم محسوب می‌شوند. آنها محروم از حقوق اجتماعی برابر، فاقد تشکل های مستقل و مبارزی هستند تا بتوانند حقوقشان را باز ستانند. با این همه سطح عمومی مبارزات روزمره زنان از چنان پتانسیل عظیمی برخوردار است که انکار جنبش زنان را نامیسر می‌کند. به جرات می‌توان گفت که پس از انقلاب بهمن حتی یک روز درگیری های پراکنده بین زنان و پاسداران نظم موجود خاموشی نگرفته است و مداوما رو به افزایش بوده است.

این جنبش حقیقتاً اجتماعی که از اعماق جامعه بر می‌خیزد اما تا کنون نتوانسته است خواسته ها و سازمانیابی و صف بندی طبقاتی در درون خود را بوضوح آشکار کند. خواسته های زنان کارگر که علاوه بر خواسته های عمومی جنبش زنان منعکس کننده خواسته های میلیونها انسان زحمتکش است توسط لیبرال ها و کسانی که مرعوب آنها شده اند به حاشیه رانده میشود. کار خانگی با عواقب وخیم روانی و سازگاریش با تعالیم دینی برای جدایی جنسی و خانه نشینی زنان، در جنبش زنان کماکان امری ثانوی و حاشیه ای محسوب می‌شود. سخنی از آن نیست، زیرا لیبرالیسم عرصه مجاز تلقی میشود و خواسته های طبقات محروم «کلان محوری» و رادیکالیسم خطرناک و... قلمداد می‌گردد. بازار پست مدرنیسم سکه است، زیرا تطبیق با عقب ماندگی ها از ملزومات لیبرالیسم در ایران است.

کمپین یک میلیون امضا در سیطره لیبرالیسم با اطواری پست مدرن از این جنس محسوب میشود. تئوریسین های این کمپین از هم اکنون نه تنها در مقابل مبانی عقب ماندگی ساکت نمانده، بلکه با مظاهر بنیادی آن پیوند خود را اعلام کرده اند این در شرایطی است که مبارزات روزمره زنان بطور آشکار خط قرمز های رژیم را مورد حمله قرار می‌دهد. روی آوری به توده های پراکنده زنان از سوی کمپین برای سامان دادن پتانسیل انقلابی و عملکرد روزانه آنها معنا نمی‌گیرد بلکه آنها را در شکاف حاصل از تفاوت آیت اله ها منجمد می‌کند. به آنها «آگاهی» نمی‌دهد بلکه آگاهی آنها را در چهارچوب امکانات حکومت و مذهب محدود می‌بیند. به «پایین» مراجعه می‌کند تا نظم «بالا» را یادآور شود. نمایش خواست پائینی ها نیست. تشکل پائین برای آزادی نیست. مراجعه نظم کنونی به زنان پراکنده است، تا آنها را حول خط قرمز های خویش سازمان دهد. اگر چه باید حملات رژیم به هر معترضی و از جمله فعالین

این کمپین را قویا محکوم و از حقوق همه آحاد جامعه در مقابل قدرت دفاع کرد اما جنبش زنان بدون انطباق با خواسته های میلیونها زن خانه دار و کارگر و زحمتکش تنها جنبش زنان طبقه حاکم است. مسلما طی چنین مسیری با در نظر گرفتن توازن قوای طبقاتی در کل جامعه صورت می گیرد. اما طرح خواسته های زنان کارگر و زحمتکش و خانه دار بستر اتحاد جنبش زنان و جنبش کارگری است.

تجربه عمومی جنبش زنان نشان می دهد که حتی خواست عمومی ای مثل لغو حجاب اجباری به حیات رژیم وابسته شده و سی سال است که رژیم با چنگ و دندان در مقابل مبارزات هر روزه زنان در خیابانها و محلات از آن دفاع می کند. لذا تصور پیروزی بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ساده اندیشی است. ملحوظ داشتن این ضرورت برای تدارک پیروزی امری تعیین کننده است. جنبش زنان نقش عظیمی در انقلاب ایران و جاروب کردن تمام مظاهر عقب ماندگی جامعه ایران برعهده دارد. این نقش را نباید تخفیف داد و محدود دید. یکبار دیگر صدمین سالگرد ۸ مارس گرامی باد.

**زنده باد تشکل های مستقل زنان برای آزادی و در رابطه با جنبش های انقلابی کارگری**

**زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**برقرار باد جمهوری شورایی**

**هسته اقلیت ۸ مارس ۲۰۰۸**